

تأثیر برنامه آموزشی مبتنی بر سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی بر ارتقاء رفتارهای تغذیه‌ای زنان باردار شهر تبریز

سعید بشیریان¹، مطهره جلیلی²، اکرم کریمی شاهنجری¹، علیرضا سلطانیان³، مجید براتی⁴

- 1- دانشیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت و گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
- 2- کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
- 3- دانشیار آمار زیستی، مرکز تحقیقات مدل‌سازی بیماری‌های غیرواگیر و گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
- 4- نویسنده مسئول: استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات اختلالات رفتاری و سوءمصرف مواد و گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. پست الکترونیکی: Barati@umsha.ac.ir

تاریخ دریافت: 95/9/8

تاریخ پذیرش: 95/12/11

چکیده

سابقه و هدف: بارداری از دوره‌های ویژه در زندگی زنان است که با افزایش نیازهای تغذیه‌ای همراه است. مطالعه حاضر باهدف تعیین تأثیر برنامه آموزشی مبتنی بر سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی در ارتقاء رفتارهای تغذیه‌ای زنان باردار انجام پذیرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه نیمه تجربی در سال 1394 روی 96 نفر زن باردار 3 منطقه شهر تبریز انجام گرفت. در هر منطقه یک مرکز بهداشتی درمانی به‌صورت تصادفی به عنوان گروه آزمون و یک مرکز به عنوان گروه کنترل تعیین گردید (هر گروه 48 نفر). سپس برنامه آموزشی تدارک دیده شده بر روی گروه آزمون در قالب 5 جلسه 50 دقیقه‌ای، به مدت دو ماه اجرا شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه برای سنجش سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی و رفتار تغذیه‌ای بود که قبل و دو ماه پس از آخرین جلسه آموزشی جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-20 و به‌کارگیری آزمون‌های کای دو، دقیق فیشر، مک نمار، تی مستقل و تی زوجی تحلیل گردید.

یافته‌ها: نمرات مادران در سازه‌های آگاهی، انتظارات پیامد، ارزش‌های پیامد، خودکارآمدی، حمایت اجتماعی، خودتنظیمی، تعیین‌کنندگی متقابل و رفتارهای تغذیه‌ای در گروه آزمون افزایش معنی‌داری را نشان داد ($P<0/001$). همچنین بعد از مداخله آموزشی در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل میانگین نمرات دریافت اسیدفولیک، آهن، مولتی‌ویتامین و تعداد واحدهای غذایی روزانه نان و غلات، شیر و لبنیات، میوه‌جات و سبزی‌ها افزایش معنی‌دار را نشان داد ($P<0/001$).

نتیجه‌گیری: اجرای مداخله آموزشی مبتنی بر سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح الگوهای رفتار تغذیه‌ای زنان باردار داشته باشد.

واژگان کلیدی: مادر باردار، تئوری شناختی اجتماعی، رفتار تغذیه‌ای، آموزش بهداشت

● مقدمه

بارداری برای هر زن تجربه زیبا و دل‌نشینی است که تغییرات فیزیولوژیک بسیاری را به همراه دارد (1). دریافت مواد غذایی در دوران بارداری به‌طور مستقیم با وزن‌گیری مادر مرتبط بوده و پیش‌بینی‌کننده وزن نوزاد در هنگام تولد نیز می‌باشد (2). شواهد موجود حاکی از آن است که دوسوم کل مرگ‌های نوزادی مربوط به نوزادان کم‌وزن می‌باشد، بنابراین وزن هنگام تولد نمایانگر وضع آینده بقاء و رشد کودک است

(3). سالانه 30 میلیون نوزاد کم‌وزن (23/8 درصد کل تولدها) در جهان متولد می‌شوند که اغلب با مشکلات بهداشتی کوتاه مدت و بلند مدت شدیدی مواجه می‌شوند. وزن کم موقع تولد عامل مهم مرگ‌ومیر، بیماری و ناتوانی در دوران کودکی است و همچنین اثر بلندمدت بر سلامتی بزرگ‌سالی دارد (4). بررسی وضع تغذیه بر اساس هرم غذایی از روش‌های ساده و قابل آموزش است که نسبت به شیوه‌های رایج و پیچیده

برتری دارد (5). بر طبق نظر کالج زنان و مامائی آمریکا زن باردار در کل برای دریافت کالری اضافی و رژیم غذایی متعادل نیاز به استفاده از گروه‌های مواد غذایی به‌طور متنوع دارد، به طوری که دریافت 4 واحد یا بیشتر میوه و سبزیجات، 4 واحد یا بیشتر غلات یا نان غنی‌شده، 4 واحد یا بیشتر شیر یا محصولات لبنی، 3 واحد یا بیشتر گوشت قرمز، مرغ، ماهی، تخم‌مرغ، مغزها و حبوبات و ... در رژیم غذایی زن باردار ضروری است تا از ایجاد عوارض کمبود مواد غذایی برای مادر و جنین پیشگیری شود (6).

گفتنی است که رفتار تغذیه‌ای نامناسب زنان باردار ممکن است تابعی از عوامل فردی، روانی و اجتماعی باشد که شناخت و درک آن‌ها به تأمین‌کنندگان خدمات بهداشتی در طراحی مداخلات مناسب کمک شایانی خواهد نمود (7). آموزش رفتارهای بهداشتی می‌تواند منجر به تغییر رفتار گردد، بدین معنی که در اثر آموزش‌های مزبور رفتارهای صحیح تغذیه‌ای جایگزین رفتارهای نامناسب یا غلط تغذیه‌ای می‌شود (8). بررسی مطالعات انجام شده در ایران و جهان لزوم آموزش برنامه‌ریزی‌شده و سیستماتیک در جهت فرهنگ‌سازی و ایجاد محیط حمایت‌کننده و اصلاح شیوه زندگی در زمینه رفتارهای تغذیه‌ای را نشان می‌دهند (9-10). در همین راستا، نتایج مطالعه Wijaya-Erhardt و همکاران حاکی از تأثیر آموزش در دانش، نگرش و عملکرد مربوط به بهداشت و تغذیه در دوران بارداری می‌باشد (11). مطالعه رحیمی و همکاران نیز نشان داد که مشاوره‌های تغذیه‌ای در ارتقای سلامت مادران و کاهش عوامل خطر مرتبط با تغذیه، بسیار تأثیرگذار می‌باشد (12). نتایج مطالعه شاکری و همکاران نیز حاکی از آن است که آموزش رفتارهای تغذیه‌ای در مادران باردار موجب بهبود رفتارهای تغذیه‌ای در دوران بارداری می‌شود (13). باین حال شواهد موجود در کشور نشان می‌دهد که در دوران بارداری میزان ارائه آموزش‌های مورد نیاز طبق برنامه استاندارد مراقبتی دوران بارداری در حد کاملاً مطلوب نمی‌باشد (14). از طرف دیگر برنامه‌های آموزشی کلاسیک رایج در سیستم‌های بهداشتی درمانی، قابلیت اثربخشی مطلوب بر رفتارهای تغذیه‌ای را ندارند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند یکی از علل عدم موفقیت برنامه‌های آموزشی، عدم توجه به مطالعات سبب شناختی و پی‌ریزی آنها بدون در نظر گرفتن مدل‌های روانی اجتماعی به عنوان چارچوب مفهومی مشخص در برنامه‌ریزی آموزشی است (15).

یکی از کارآمدترین نظریه‌های مورد استفاده برای پیش‌بینی و بیان رفتارهای تغذیه‌ای، نظریه شناختی اجتماعی آلبرت بندورا (Social Cognitive Theory) می‌باشد. این تئوری ضمن بیان عوامل پیش‌بینی‌کننده و اصول موثر در شکل‌گیری رفتار، سازه‌های دانش، انتظارات پیامد، ارزش‌های پیامد، خودکارآمدی، حمایت اجتماعی، خودتنظیمی و درک موقعیتی را به عنوان مهم‌ترین تعیین‌کننده‌ها و راهنماها در طراحی مداخلات آموزشی معرفی می‌نماید. بر این اساس، تئوری شناختی اجتماعی فرض می‌کند که رفتار، از جمله رفتارهای تغذیه‌ای با استفاده از (الف) عوامل فردی نظیر نگرش‌ها، اعتقادات، خودکارآمدی، نگرانی درباره سلامت، رضایت بدنی؛ (ب) عوامل رفتاری مانند الگوهای مصرف وعده‌های غذایی، رفتارهای مربوط به کنترل وزن، مشارکت در تدارک غذا و مشارکت در خرید و (ج) عوامل اجتماعی محیطی یا عوامل بین فردی مانند دسترسی به مواد غذایی سالم در خانه، تداوم غذا خوردن با خانواده و حمایت دوستان برای سالم خوردن، تبیین می‌شود (15).

با عنایت به مصرف نامناسب گروه‌های غذایی در زنان باردار و همچنین کارایی تئوری شناختی اجتماعی در شناخت عوامل مرتبط و مؤثر بر انجام این رفتار (7)، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه آموزشی مبتنی بر تئوری شناختی اجتماعی در ارتقاء رفتارهای تغذیه‌ای زنان باردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهر تبریز انجام شد.

• مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه مداخله‌ای از نوع نیمه تجربی بود. جامعه پژوهش شامل زنان باردار سه منطقه‌ای شهر تبریز بود که بیشترین مشکل تغذیه‌ای را داشتند (16) و طی سال 1394 تحت مطالعه قرار گرفتند. حجم نمونه با توجه به مقادیر میانگین و انحراف معیار رفتارهای تغذیه‌ای قبل و بعد از مداخله آموزشی در مطالعات گذشته (17) و با در نظر گرفتن توان آزمون معادل 80 درصد و حدود اطمینان 95 درصد و با استفاده از فرمول $n = \frac{(Z_{1-\alpha/2} + Z_{1-\beta})^2 (S_1^2 + S_2^2)}{(\mu_1 - \mu_2)^2}$ در هر گروه 32 نفر برآورد شد که با احتساب اثر طرح خوشه‌ای 1/5 حجم نمونه نهایی 48 نفر در هر گروه و مجموعاً 96 نفر تعیین گشت.

در این مطالعه روش نمونه‌گیری به این ترتیب بود که در هر منطقه یک مرکز بهداشتی درمانی به صورت تصادفی به عنوان گروه آزمون و یک مرکز به عنوان گروه کنترل تعیین

گردید (در مجموع 3 مرکز به عنوان گروه آزمون و 3 مرکز به عنوان گروه کنترل)، سپس با در نظر گرفتن لیست مادران از دفاتر مراقبت بهداشتی، نمونه‌ها در هر گروه به صورت تصادفی ساده انتخاب و وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل مادران محدوده سنی 15 تا 45 سال تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی و حداکثر تا 26 هفته بارداری، فقدان هرگونه سابقه بیماری شناخته شده (قلبی - عروقی، کلیوی، دیابت، تیروئید، فشارخون مزمن) و تکمیل رضایت‌نامه آگاهانه توسط زنان باردار بود. معیار خروج از مطالعه نیز شامل عدم شرکت در جلسات آموزشی به صورت دو بار پشت سر هم، استفاده از رژیم غذایی درمانی خاص برای یک بیماری سیستمیک مزمن حین انجام مداخله و خروج از جمعیت تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی مدنظر مطالعه به دلیل تغییر محل سکونت بود.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل سه بخش؛ مشخصات جمعیت شناختی، سؤالات مربوط به سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی و پرسشنامه رفتار تغذیه‌ای بود که روایی و پایایی آن در مطالعه محمدعلیزاده چرندابی و همکاران گزارش شده است (1). پرسشنامه تئوری شناختی اجتماعی پس از مطالعه کتب و مقالات مرتبط با موضوع تهیه و اعتبار محتوی آن توسط اعمال نظرات ده نفر از اعضای هیئت علمی گروه آموزش بهداشت و با سنجش CVR (Content Validity Ratio) و CVI (Content Validity Index) مورد تأیید قرار گرفت. جهت سنجش پایایی پرسشنامه در قالب یک مطالعه پایلوت از طریق مصاحبه 30 نفر از مادران باردار انجام و ضریب آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شد. ضریب آلفای کرونباخ برای آگاهی 0/71، انتظارات پیامد 0/82، ارزش‌های پیامد 0/89، خودکارآمدی 0/83، حمایت اجتماعی 0/70، تعیین کنندگی متقابل 0/92 و خودتنظیمی 0/76 بدست آمد. سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی مشتمل بر 9 سؤال آگاهی تغذیه‌ای (مانند آیا در بارداری گروه نان و غلات به دلیل دارا بودن انرژی، بعضی از انواع ویتامین‌ها و پروتئین اهمیت دارند؟ با پاسخ بلی، خیر، نمی‌دانم)، 9 سؤال انتظارات پیامد (مانند اگر در طی دوران بارداری تغذیه مناسب داشته باشم کمتر بیمار می‌شوم؛ با پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم)، 9 سؤال ارزش‌های پیامد (مانند برای من مهم است که بیمار نشوم؛ با پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم)، 7 سؤال خودکارآمدی (مانند من مطمئنم می‌توانم هرروز لبنیات مصرف کنم؛ با پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم)، 9 سؤال حمایت اجتماعی

(مانند همسرم مواد غذایی سالمی را برای مصرف غذا در خانواده تهیه می‌کند؛ با پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم)، 5 سؤال تعیین کنندگی متقابل (مانند من رفتار تغذیه‌ای مناسبی خواهم داشت اگر قادر به تهیه مواد غذایی مورد نیاز برحسب درآمد خانواده باشم؛ با پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم)، 7 سؤال خودتنظیمی (مانند من مطمئنم می‌توانم هرروز لبنیات مصرف کنم؛ با پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) بود.

سؤالات رفتار تغذیه‌ای در دو بخش شامل 16 سؤال مربوط به رفتار تغذیه‌ای زنان باردار در دوران بارداری و در برخورد با مشکلات شایع این دوران در بخش اول و 5 سؤال در زمینه سهم‌های غذایی در بخش دوم بود. 5 سؤال انتهایی رفتار تغذیه‌ای، مربوط به سهم‌های غذایی دریافتی روزانه از گروه‌های مختلف غذایی با استفاده از پرسشنامه بسامد خوراک، سهم‌های غذایی توسط پژوهشگر محاسبه و در قسمت مربوطه تکمیل گردید. در این مطالعه منظور از مصرف مطلوب گروه‌های غذایی، دریافت سهم‌های کافی از هر یک از گروه‌های غذایی مربوطه، بر اساس مقادیر توصیه شده آنها در هرم غذایی می‌باشد. همچنین منظور از رفتار تغذیه‌ای خوب برای پیشگیری و درمان مشکلات شایع دوران بارداری ازجمله یبوست، سوزش سر دل، ورم در دست و پا، آئمی و عفونت ادراری استفاده از انواع مواد غذایی از جمله افزایش مصرف میوه، سبزیجات، مایعات و تعداد وعده‌های غذایی بود. قبل از انجام مداخله آموزشی، پرسشنامه مذکور در هر دو گروه پس از توضیح دستورالعمل تکمیل پرسشنامه‌ها توسط مادران باردار و قسمت سهم غذایی پرسشنامه توسط خود پژوهشگر تکمیل شد.

نتایج مطالعه حاضر قبل از انجام مداخله آموزشی نشان داد که از بین سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی سازه‌های انتظارات پیامد، ارزش‌های پیامد، آگاهی و خودتنظیمی سهم معنی داری در تبیین واریانس رفتار تغذیه‌ای مناسب (16 درصد) در بین مادران باردار را دارا بوده و بهترین پیش بینی کننده‌های انجام رفتار بودند. لذا اهداف آموزشی مداخله با درنظر گرفتن نتیجه فوق در قالب برنامه آموزشی 5 جلسه‌ای هر یک به مدت 50 دقیقه و با استفاده از شیوه سخنرانی، پرسش و پاسخ، پاورپوینت و پمفلت در کلاس‌های آموزشی موجود در مراکز بهداشتی درمانی طراحی و اجرا گردید. جهت انجام مداخله آموزشی شرکت‌کنندگان گروه آزمون به 3 گروه 16 نفره تقسیم شدند و پس از تعیین تاریخ برگزاری جلسات آموزشی هر گروه، این تاریخ به اطلاع آنها رسید. در جلسه اول و دوم با هدف افزایش سازه‌های آگاهی و تعیین کننده متقابل

سازه‌های تئوری بین دو گروه قبل و بعد از مداخله آموزشی از آزمون تی مستقل و مقایسه نمرات قبل و بعد هر گروه، از آزمون تی زوجی استفاده گردید. وضعیت دریافت واحدهای غذایی مادران باردار دو گروه نیز با آزمون مک نمار مقایسه شد. سطح معنی‌داری در تمام آزمون‌ها کمتر از 0/05 در نظر گرفته شد.

• یافته‌ها

نتایج آزمون کای دو و آزمون دقیق فیشر نشان داد بین زنان باردار دو گروه آزمون و کنترل از نظر ویژگی‌های جمعیتی شناختی اختلاف معنی‌داری وجود نداشت ($P > 0/05$) (جدول 1).

میانگین نمرات متغیرهای مورد بررسی در دو گروه آزمون و کنترل در جدول 2 ارائه شده است. طبق یافته‌ها، اختلاف دو گروه از نظر میانگین نمرات سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی قبل از مداخله به لحاظ آماری معنی‌دار نبود ولی بعد از مداخله در گروه آزمون تفاوت معنی‌داری نسبت به گروه کنترل مشاهده گردید ($P < 0/001$). همچنین میانگین نمره رفتار تغذیه‌ای قبل از مداخله در گروه آزمون و کنترل به ترتیب $34/17 \pm 3/21$ و $35/08 \pm 4/48$ بود که بر اساس نتایج آزمون تی مستقل تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نشد ($P = 0/252$). اما بعد از مداخله آموزشی همین آزمون تفاوت معنی‌داری را بین دو گروه در خصوص رفتار تغذیه‌ای نشان داد ($P < 0/001$).

نتایج جدول 3 نیز نشان داد که بعد از مداخله آموزشی در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل میزان مصرف روزانه نان و غلات، شیر و لبنیات، میوه جات و سبزی‌ها افزایش معنی‌داری یافته بود ($P < 0/001$). همچنین طبق نتایج آزمون کای اسکوتر مقایسه میزان مصرف گروه‌های غذایی بین دو گروه آزمون و کنترل قبل از انجام مطالعه نشان داد که به جز گروه غذایی میوه جات ($P = 0/022$) در سایر گروه‌های غذایی سبزیجات ($P = 0/551$)، گوشت و حبوبات ($P = 0/492$)، نان و غلات ($P = 0/832$)، شیر و لبنیات ($P = 0/495$) اختلاف معنی‌داری بین دو گروه وجود ندارد. ولیکن پس از مداخله اختلاف بین دو گروه در رابطه با همه گروه‌های غذایی میوه جات ($P = 0/001$)، سبزیجات ($P = 0/035$)، گوشت و حبوبات ($P = 0/039$)، نان و غلات ($P = 0/002$)، شیر و لبنیات ($P < 0/001$) از نظر آماری معنی‌دار بود.

در بین مادران باردار به روش سخنرانی و پرسش و پاسخ اجرا گردید. در این دو جلسه مطالبی در خصوص اهمیت تغذیه در دوران بارداری و نحوه اصول تغذیه مناسب، گروه‌های اصلی مواد غذایی، سهم و منابع غذایی هر کدام از گروه‌ها، اهمیت مصرف مکمل‌ها و زمان مصرف آن‌ها، نکات کلیدی و مهم هر کدام از گروه‌های غذایی، توصیه‌های تغذیه‌ای برای خانم‌های باردار لاغر و چاق ارائه گردید. سه جلسه بعدی با هدف افزایش سازه‌های انتظارات پیامد، ارزش‌های پیامد، خودتنظیمی و خودکارآمدی در بین مادران باردار به روش‌های بحث گروهی، پرسش و پاسخ، مدل‌سازی (بیان تجارب موفق مادرانی که رفتار مورد نظر را انجام می‌دادند)، تقویت در هنگام رفتار مطلوب، نسبت دادن شکست‌ها به عوامل خارجی و همچنین تقسیم کردن فعالیت به اجزاء کوچکتر اجرا گردید. در این جلسات به افزایش مهارت مادران باردار درباره راه‌های کاهش دریافت چربی، مواد قندی و گروه نان و غلات، افزایش دریافت مواد پروتئینی و فیبر، راه‌های جایگزین کردن مواد غذایی کم‌ارزش با مواد غذایی پرارزش و توصیه‌های تغذیه‌ای در هنگام شکایات شایع دوران بارداری، نکات مهم در هنگام خرید مواد غذایی، منابعی که می‌توانند مادر باردار را در انجام رفتارهای تغذیه‌ای مناسب کمک کنند، توجه گردید. در آخرین جلسه آموزشی مادران باردار به کمک مربی برنامه غذایی مناسب را برای خود تهیه کردند. یک ماه بعد از مداخله برنامه یادآور آموزشی از طریق پیامک به مدت 10 روز متوالی و روزی 1 پیامک به مادران گروه آزمون ارائه گردید. پرسشنامه‌های پس‌آزمون دو ماه بعد از اتمام آخرین جلسه آموزشی در دو گروه آزمون و کنترل انجام گرفت.

مطالعه حاضر دارای تأییدیه کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی همدان بوده (شماره ثبت: 16/35/9/5287/پ) و کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش در زمینه چگونگی انجام طرح، محرمانه بودن و عدم استفاده ابزاری از اطلاعات و همچنین هدف از انجام این طرح توجیه شده و در صورت تمایل به همراه اخذ رضایت‌نامه آگاهانه کتبی وارد مطالعه شده بودند.

اطلاعات به دست آمده در نرم‌افزار آماری SPSS-20 و با استخراج شاخص‌های میانگین و انحراف معیار و توزیع فراوانی توصیف شد. ویژگی‌های جمعیتی شناختی دو گروه آزمون و کنترل قبل از مداخله آموزشی با آزمون کای دو و دقیق فیشر مقایسه شدند. همچنین جهت مقایسه میانگین نمرات

جدول 1. مقایسه مشخصات جمعیت شناختی در دو گروه آزمون و کنترل قبل از انجام مداخله

سطح معنی داری	گروه کنترل (n=48)		گروه آزمون (n=48)		متغیر جمعیت شناختی	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
0/711	45/8	22	43/7	21	سن	25-15 سال
	45/8	22	47/9	23		35-26 سال
	8/4	4	8/4	4		45-36 سال
0/904	20/8	10	25	12	سطح تحصیلات	بی سواد و ابتدایی
	72/9	35	72/9	35		راهنمایی و دبیرستان
	6/3	3	2	1		دانشگاهی
0/725	31/3	15	25	12	سطح تحصیلات همسر	بی سواد و ابتدایی
	66/7	32	68/7	33		راهنمایی و دبیرستان
	2	1	6/3	3		دانشگاهی
0/117	97/9	47	91/6	44	وضعیت اشتغال	خانه دار
	2/1	1	8/4	4		شاغل
0/754	10/4	5	8/3	4	اشتغال همسر	کارمند
	39/6	19	47/9	23		کارگر
	50	24	43/8	21		آزاد
0/603	33/3	16	29/1	14	درآمد (تومان)	کمتر از 400 هزار تومان
	47/9	23	54/1	26		400-700 هزار تومان
	16/6	8	10/4	5		700 هزار تا 1 میلیون تومان
	2	1	6/2	3		بالای 1 میلیون تومان
0/205	4/2	2	6/2	3	شاخص توده بدنی	کمتر از 19/9
	39/6	19	29/2	14		19/9-24/9
	43/8	21	39/6	19		24/9-29/9
	12/5	6	25	12		29/9 و بیشتر
0/520	35/4	17	41/6	20	تعداد بارداری	اولین بارداری
	64/6	31	58/4	28		دومین بارداری و بیشتر
0/217	16/6	8	8/3	4	سابقه سقط	بلی
	83/4	40	91/7	44		خیر
0/681	58/3	28	54/2	26	وضعیت خواسته بودن بارداری	بلی
	41/7	20	45/8	22		خیر

جدول 2. میانگین نمرات سازه‌های تئوری شناختی اجتماعی و رفتار تغذیه‌ای در دو گروه آزمون و کنترل قبل و بعد از مداخله آموزشی

سازه‌های تئوری	قبل از مداخله		بعد از مداخله		نتیجه آزمون t زوجی
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
آگاهی	6	1/40	6/94	0/24	0/011
	5/79	1/09	6/02	1/76	0/530
گروه کنترل	0/418		<0/001		
نتیجه آزمون t مستقل	38/46	5/65	44/13	2/45	<0/001
انتظارات پیامد	37	5/46	37/77	4/59	0/499
گروه آزمون	0/186		<0/001		
نتیجه آزمون t مستقل	43/10	3/90	44/62	1/52	0/035
ارزش‌های پیامد	42/85	3/19	42/52	3/13	0/480
گروه کنترل	0/732		<0/001		
نتیجه آزمون t مستقل	27/63	4/28	33/38	2/36	<0/001
خودکارآمدی	28/48	4/77	29/19	4/21	0/091
گروه آزمون	0/358		<0/001		
نتیجه آزمون t مستقل	33/67	5/25	41/92	2/76	<0/001
حمایت اجتماعی	35/08	5/43	35/48	5/43	0/125
گروه کنترل	0/197		<0/001		
نتیجه آزمون t مستقل	28/40	4/01	34/21	1/62	<0/001
خودتنظیمی	28/67	4/32	28/58	4/38	0/899
گروه آزمون	0/751		<0/001		
نتیجه آزمون t مستقل	21/15	3	19/44	1/17	<0/001
تعیین‌کنندگی متقابل	21	3/14	16/96	2/72	<0/001
گروه کنترل	0/751		<0/001		
نتیجه آزمون t مستقل	34/17	3/21	42/38	2/81	<0/001
رفتار	35/08	4/48	34/94	3/96	0/701
گروه آزمون	0/252		<0/001		
نتیجه آزمون t مستقل					

جدول 3. وضعیت رفتار تغذیه‌ای مادران باردار شرکت‌کننده در پژوهش قبل و بعد از مداخله آموزشی در گروه آزمون و کنترل

مصرف گروه‌های غذایی در روز		گروه آزمون (n=48)				گروه کنترل (n=48)			
		قبل از مداخله		بعد از مداخله		قبل از مداخله		بعد از مداخله	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مصرف میوه جات	عدم مصرف	--	--	--	--	1	2/1	1	2/1
	کمتر از 3 سهم	34	70/8	10	20/8	22	45/8	27	56/2
	بین 3 تا 4 سهم	14	29/2	38	79/2	25	52/1	20	41/7
	نتیجه آزمون مک نمار	< 0/001		0/317					
مصرف سبزیجات	عدم مصرف	--	--	--	--	3	6/2	2	4/2
	کمتر از 4 سهم	41	85/4	24	50	38	79/2	33	68/8
	بین 4 تا 5 سهم	7	14/6	24	50	7	14/6	13	27/1
	نتیجه آزمون مک نمار	< 0/001		0/064					
گوشت و حبوبات	عدم مصرف	--	--	--	--	1	2/1	1	2/1
	کمتر از 3 سهم	34	70/8	27	56/2	36	75	37	77/1
	3 سهم و بیشتر	14	29/2	21	43/8	11	22/9	10	20/8
	نتیجه آزمون مک نمار	0/071		0/705					
نان و غلات	عدم مصرف	--	--	--	--	--	--	--	--
	کمتر از 7 سهم	17	35/4	11	22/9	30	62/5	26	54/2
	بین 7 تا 11 سهم	31	64/6	37	77/1	18	37/5	22	45/8
	نتیجه آزمون مک نمار	< 0/001		0/424					
شیر و لبنیات	عدم مصرف	--	--	--	--	3	6/2	1	2/1
	کمتر از 3 سهم	28	58/3	2	4/2	24	50	23	47/9
	بین 3 تا 4 سهم	20	41/7	46	95/8	21	43/8	24	50
	نتیجه آزمون مک نمار	< 0/001		0/608					

• بحث

طبق نتایج مطالعه حاضر آگاهی مادران گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل به طور معنی داری افزایش یافته است که این یافته با نتایج مطالعات مشابه همسو می باشد. در همین راستا، نتایج مطالعه منصوریان و همکاران نشان داد که بعد از انجام مداخله آموزشی نمره آگاهی مادران باردار در مورد تغذیه دوران بارداری افزایش معنی داری داشته است (18). همچنین در مطالعه کمالی فرد و همکاران نیز آگاهی تغذیه ای مادران باردار بعد از انجام مداخله در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل به طور معناداری افزایش یافته بود (19). این نتیجه در مطالعه Boyd و همکاران نیز مورد تأکید قرار گرفته بود (20). به نظر می رسد ارائه مطالب در جلسات آموزشی، پمفلت و کتابچه آموزشی که در اختیار مادران قرار گرفته است برای آنان مفید بوده و باعث افزایش آگاهی مادران شده است و همچنین استفاده از پیامک یادآور در تداوم آگاهی مادران مؤثر بوده است.

در این مطالعه میانگین نمره انتظارات پیامد در گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل به طور معنی داری افزایش یافت که این یافته با نتایج مطالعه بیرانوندپور و همکاران در خصوص انتظارات پیامد از مصرف غذاهای فوری همخوانی داشت (21). همچنین در مطالعه شریفی و همکاران نیز انتظارات پیامد مادران با مصرف میان وعده های با ارزش در کودکان همبستگی معنی داری را نشان داد که بیانگر تأثیر انتظارات پیامد بر رفتار است (22). با این حال یافته های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات عباسیان و همکاران و هاشمی و همکاران که به ترتیب تأثیر برنامه های مداخله ای خانواده محور و مدرسه محور مبتنی بر تئوری شناختی اجتماعی بر میزان دریافت میوه و سبزی در دانش آموزان را مورد بررسی قرار داده بودند، همخوانی نداشت (23، 24). در مطالعات مذکور ترجیح غذایی دانش آموزان به عنوان انتظار پیامد در نظر گرفته شده بود که مداخله آموزشی اجرا شده نیز بر روی آن تأثیری نداشت. به نظر می رسد که استفاده از پاورپوینت، پمفلت و کتابچه ای حاوی پیام های اطلاعاتی و انگیزشی، روش بحث و سخنرانی و پیامک یادآور می تواند در معنی دار شدن مداخله بر این سازه مؤثر بوده باشد.

در پژوهش حاضر ارائه مطالب در زمینه پیامدهای رفتارهای تغذیه ای مناسب از طریق تقویت اهمیت جنبه های سلامتی غذا برای مادر و جنین باعث بهبود ارزش های پیامد مادران باردار گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل گردید. در همین راستا، در مطالعه کریمی شاهنجرینی و همکاران (21)

توجه به جنبه های سلامتی غذا به عنوان ارزش های پیامد رفتار مورد تأکید قرار گرفته و نقش آن در پیش گویی رفتارهای تغذیه ای زنان شهر همدان معنی دار گزارش شده بود. برخلاف یافته های پژوهش حاضر، در مطالعات عباسیان و همکاران و هاشمی و همکاران مداخله آموزشی مبتنی بر سازه ارزش های پیامد مؤثر نبوده است (23-24) که از علل عدم این همخوانی می توان به تعداد کم جلسات آموزشی و کوتاه بودن مدت مداخلات در مطالعات مذکور اشاره کرد. همچنین در مطالعه Poddar و همکاران نیز مداخله آموزشی تأثیری بر ارزش های پیامد نداشته است که این نیز می تواند به دلیل ارائه آموزش از طریق پست الکترونیکی و سطحی بودن آن در مطالعه مذکور باشد (25).

از دیگر دست آوردهای مطالعه حاضر تأثیر مداخله آموزشی در افزایش خودتنظیمی رفتار زنان باردار گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل بود که این نتیجه با یافته های مطالعات مشابه در این زمینه همخوانی دارد (25-27). به نظر می رسد استفاده از چند استراتژی همزمان شامل اقناع کلامی و تقویت در هنگام رفتار مطلوب به ویژه بر اساس گزارش نحوه مصرف مواد غذایی روزانه و همچنین ارائه نمونه های برنامه غذایی مناسب برای خانم های باردار شرکت کننده در پژوهش حاضر منجر به بهبود خودتنظیمی دریافت تغذیه ای زنان گروه مداخله شده است. در این مطالعه همچنین خودکارآمدی گروه آزمون بعد از مداخله آموزشی به طور معنی داری افزایش یافته بود که با یافته های مطالعات مشابه همخوانی دارد (28، 29، 22، 21). نکته قابل توجه در این بخش، استفاده از تجربیات موفق سایر مادران در جهت الگوبرداری مادران باردار بود که منجر به افزایش خودکارآمدی گروه آزمون گردید.

طبق نتایج مطالعه حاضر میزان حمایت اجتماعی گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل افزایش معنادار یافته بود. مطالعه بشیریان و همکاران (7) نشان داد که حمایت اجتماعی درک شده پایین زنان باردار می تواند به دلیل درآمد پایین خانواده ها و عدم آگاهی و مهارت زنان از برخورداری از منابع حمایتی باشد. بدین منظور برای کمک به مادران در طی جلسات بحث گروهی بر راهکارهای مناسبی جهت افزایش تعاملات اجتماعی و جلب حمایت همسران خانم های باردار تأکید گردید. همسو با نتایج این مطالعه، گائینی و همکاران پژوهش خود چنین نتیجه گیری کردند که حمایت مادران باردار برای دریافت کافی مواد غذایی خصوصاً در گروه های شاغل و خانواده های کم درآمد ضروری است (9). Baranowski

طبق یافته‌ها، مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری شناختی اجتماعی با تأکید بر بهبود انتظارات و ارزش‌های پیامد زنان باردار، بالا بردن حمایت اجتماعی، بهبود خودتنظیمی و بهبود خودکارآمدی نقش قابل توجهی در ارتقاء رفتارهای تغذیه‌ای زنان باردار داشت. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که در مراقبت‌های دوران بارداری، آموزش تغذیه‌ای به مادران به‌طور اختصاصی توسط ماماها و کارشناسان بهداشت انجام شده و نیز کاربرد آن توسط مادران ارزیابی و پیگیری گردد. بررسی تأثیر طولانی‌مدت مداخلات آموزشی در این زمینه نیز می‌تواند نویدبخش اثرات سودمندی باشد. تعداد جلسات محدود آموزشی و کوتاه بودن زمان پیگیری، استفاده از روش خودگزارش‌دهی در جمع‌آوری داده‌ها و محدودیت زنان باردار جهت شرکت در جلسات آموزشی به دلیل شرایط فیزیولوژیک جسمی آن‌ها از محدودیت‌های موجود در مطالعه حاضر بود.

سپاسگزاری: این مقاله منتج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم پزشکی همدان می‌باشد و با پشتیبانی مالی معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه انجام پذیرفته است که بدین‌وسیله نهایت سپاس و قدردانی به عمل می‌آید.

نیز در مطالعات خود نشان داد که حمایت والدین در زمینه فراهم نمودن امکان دسترسی کودکان به میوه و سبزیجات یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم در میزان مصرف می‌باشد (31-30).

در خصوص ارزشیابی پیامد نهایی مطالعه حاضر، نتایج نشان داد که میانگین نمره رفتار در گروه آزمون بعد از مداخله آموزشی نسبت به گروه کنترل افزایش معنی‌داری داشته است. این افزایش در مصرف روزانه گروه‌های غذایی نان و غلات، شیر و لبنیات، میوه جات و سبزی‌ها مشهودتر بوده است. این نتایج با یافته‌های مطالعات شاکری و همکاران (13)، میرمولایی و همکاران (32)، شریفی‌راد و همکاران (33) و Kashyap و Garg (34) همخوانی دارد. به نظر می‌رسد افزایش آگاهی و بهبود انتظارات و ارزش‌های پیامد زنان باردار بعد از مداخله از علل اثربخشی برنامه آموزشی بر رفتار تغذیه مادران باردار باشد، بنابراین ارائه بسته‌های آموزشی ساده و قابل فهم برای مراجعه‌کنندگان به مراکز بهداشتی در مراقبت‌های معمول دوران بارداری به مادران توصیه می‌شود. همچنین با توجه به نقش خودکارآمدی، خودتنظیمی و حمایت اجتماعی در ارتقاء رفتارهای تغذیه‌ای، برگزاری کلاس‌های آموزشی منظم و دوره‌ای و ارائه نمونه‌های برنامه غذایی مناسب برای خانم‌های باردار جهت رفع موانع و عوامل خارجی رفتارهای تغذیه‌ای پیشنهاد می‌گردد.

References

- Mohammadalizade-charandabi S, Kamalifard M, Ebrahimi M, Asghari-Jafarabadi M, Omid F. Evaluation of the nutritional behavior of women in first trimester of pregnancy and its relationship with some socio-demographic characteristics of whom referred to health centers in Karaj. Iran J Obstet Gynecol Infertil. 2012; 15: 10-8. [in Persian]
- Ghavi A, Fadakar-Sogheh K, Niknamy M, Kazemnejad E. Investigating the relationship between maternal lifestyle during pregnancy and low-birth-weight of term neonates. Iran J Obstet Gynecol Infertil. 2012; 15: 14-24. [in Persian]
- Cox JT, Phelan ST. Nutrition during pregnancy. Obstet Gynecol Clin North Am. 2008; 35: 369-83.
- World Health Organization. Nutrition health: Feto-maternal nutrition and low birth weight; 2013. Available from: http://www.who.int/nutrition/topics/feto_maternal/en
- Fiala J, Hrubá D, Brazdova Z. Dietary intake pregnant and lactating woman as compared with other groups. Hugierna. 2000; 45: 86-94.
- Kecskemethy H. Eating during pregnancy. Kids Health: Then emours foundation; 2005. Available from: <http://www.indiah24.com/yourfamily/women/pregnancy/asp>. Accessed 23 Apr 2011.
- Jalily M, Barati M, Bashirian S. Using social cognitive theory to determine factors predicting nutritional behaviors in pregnant women visiting health centers in Tabriz, Iran. J Educ Community Health. 2015; 1: 11-21. [in Persian]
- Besharati F, Hazavehei SMM, Moeini B, Moghimbeigi A. Effect of educational interventions based on theory of planned behavior in selecting delivery mode among pregnant women referred to Rasht health centers. J Zanzan Univ Med Sci. 2011; 19: 94-106. [in Persian]
- Abedini Z, Ahmari Tehran H, Gaini M, Khorami Rad A. Dietary food intake of pregnant women based on food guide pyramid and its related factors. Iran J Nurs. 2011; 24: 36-46. [in Persian]
- Fallah F, Pourabbas A, Delpisheh A, Veisani Y, Shadnough M. Effects of nutrition education on levels of nutritional awareness of pregnant women in western Iran. Int J Endocrinol Metab. 2013; 11: 175-8. [in Persian]
- Wijaya-Erhardt M, Muslimatun S. Effect of an educational intervention related to health and nutrition on

- pregnant women in the villages of Central Java Province, Indonesia. *Health Educ J*. 2013; 1: 1-12.
12. Rahimi S, Sydrsvly G. Evaluation of pregnancy-induced changes in eating habits and the factors affecting it. Paper presented at 9th Iranian Nutrition Congress. September 7, 2006. Tabriz, Iran.
 13. Shakeri M, Mazloomzade S, Mohammadian F. Effect of prenatal fitness classes, nutritional behavior of pregnant women. *Int Res J Appl Basic Sci*. 2013; 5: 1606-11.
 14. Ansari Niaki M, Izadi Sabet F. The quality of prenatal care performance on the basis of existing care standards in health centers. *Koomesh*. 2003; 2: 281-6. [in Persian]
 15. Glanz K, Rimer BK, Viswanath K. *Health Behavior and Health Education: Theory, Research and Practice*. San Francisco: Jossey-Bass publication; 2008.
 16. Jalili M. Effectiveness of educational program based on social cognitive theory in improve of nutritional behaviors in pregnant women among of admitted to Tabriz Health [Dissertation]. Hamadan: Hamadan University of Medical Sciences; 2015. [in Persian]
 17. Escott-Stump S, Krause MV, Mahan LK, Raymond JL. *Krause's food and the nutrition care process*. ST Louis: Elsevier; 2012.
 18. Mansourian M, Soleimaninejad M, Behnampour N. The effects of educational interventions on knowledge and attitude of pregnant women towards nutrition during pregnancy. *Mandish*. 2011; 1: 1-9.
 19. Kamalifard M, Mohammad-Alizade-Charandabi S, Ebrahimi-mamegani M, Asghari-Jafarabadi M, Omid F. The effect of an educational package on nutritional knowledge, attitude, and behavior of pregnant women. *Iran J Med Educ*. 2012; 12: 686-97.
 20. Boyd NR, Windsor RA. A formative evaluation in maternal and child health practice: the partners for life nutrition education program for pregnant women. *Matern Child Health J*. 2003; 7: 137-43.
 21. Beiranvandpour N, Karimi-Shahanjarini A, Rezapur-Shahkolai F, Moghimbeigi A. Factors affecting the consumption of fast foods among women based on the social cognitive theory. *J Educ Community Health*. 2014; 1: 19-26.
 22. Karimi-Shahanjarini A, Sharifi M, Bashirian S, Moghimbeigi A. Determinants of healthy snacks choice by mothers of 1-5 years old children in Hamadan based on social cognitive theory. *Iran J Nutr Sci Food Technol*. 2015; 9: 19-26.
 23. Abbasian F, Omidvar N, Bondarianzadeh D, Shakibazadeh E, Rashidkhani B, Hashemi B. Effect of a school-based intervention based on social cognitive theory on fruit and vegetable consumption in middle school students in Tehran. *Hayat*. 2011; 17: 73-84.
 24. Hashemi B, Omidvar N, Bondarianzadeh D, Shakibazadeh E, Rashidkhani B, Abbasian F. Effect of a family-based intervention based on social-cognitive theory on fruit and vegetable intake of middle school female students in a district of Tehran. *Hakim Med J*. 2012; 15: 44-52.
 25. Poddar KH, Hosig KW, Anderson-Bill ES, Nickols-Richardson SM, Duncan SE. Dairy intake and related self-regulation improved in college students using online nutrition education. *J Acad Nutr Diet*. 2012; 112:1976-86.
 26. Fowles E, Gabrielson M. First trimester predictors of diet and birth outcomes in low-income pregnant women. *J Community Health Nurs*. 2005; 22: 117-30.
 27. Rezaei AM, Esfandiari Tshvyh F, Srvqd S. Investigate the relationship between attitudes and self-regulation of eating in obese and normal lifestyle. *J Women Soc*. 2010; 1:115.
 28. Mirzaei A, Mohammadi S, Mazloomi SS, Jalilian M, Hatamzadeh N. Promotion of sun protection in children: an educational intervention based on social cognitive theory to skin cancer prevention via mother education. *Sci J Ilam Univ Med Sci*. 2011; 19: 38-45.
 29. Contento IR, Koch PA, Lee H, Calabrese-Barton A. Adolescents demonstrate improvement in obesity risk behaviors after completion of choice, control & change, a curriculum addressing personal agency and autonomous motivation. *J Am Diet Assoc*. 2010; 110: 1830-9.
 30. Baranowski T, Watson K, Missaghian M, et al. Social support is a primary influence on home fruit, 100% juice, and vegetables availability. *J Am Diet Assoc*. 2008; 108: 1231-5.
 31. Baranowski T, Missaghian M, Broadfoot A, et al. Fruit and vegetables shopping practices and social support scales: a validation. *J Nutr Educ Behav*. 2006; 38: 340-51.
 32. Mirmolaei S, Moshrefi M, Kazemnejad A, Farivar F, Morteza H. The effect of nutrition education on nutritional behaviors in pregnant women. *Hayat*. 2010;15: 35-42.
 33. Sharifirad G, Hazavehei MM, Baghianimoghadam MH, Mohebi S. The effect of a Health Belief Model based education program for foot care in diabetic patients type II in Kermanshah, Iran (2005). *Int J Endocrinol Metab*. 2007; 5: 82-90.
 34. Garg A, Kashyap S. Effect of counseling on nutritional status during pregnancy. *Indian J Pediatr*. 2006; 73: 687-92.

Effectiveness of Educational Program Based on Social Cognitive Theory Constructs to Promote Nutritional Behaviors among Pregnant Women in Tabriz

Bashirian S¹, Jalily M², Karimi Shahanjarini A¹, Soltanian A³, Barati M^{*4}

1- Associate Prof., Social Determinants of Health Research Center and Department of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

2- MSc of Health Education, Department of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

3- Associate Prof., Modeling of Noncommunicable Diseases Research Center and Department of Biostatistics, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

4- *Corresponding author: Assistant Prof., Research Center for Behavioral Disorders and Substance Abuse and Department of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran. Email: Barati@umsu.ac.ir

Received 28 Nov, 2016

Accepted 1 Mar, 2017

Background and Objectives: Pregnancy is the most significant stage of a woman's life which is accompanied with increased nutritional needs. This study aims to determine the effect of training program on the base of social cognitive theory constructs in order to improve nutritional behavior among pregnant women.

Materials & Methods: This quasi-experimental study was conducted on 96 pregnant women in three zones of Tabriz city in 2015. In every zone, one health center was randomly assigned as intervention group and the other as control group (n=48 per group). Training program was applied on intervention groups for two months. Data were collected using a self-administered questionnaire with items on the social cognitive theory constructs and nutritional behavior questionnaire which was completed before and two months after intervention. Data was analyzed through SPSS-20 software by using independent t-test, paired t-test, chi-square, McNemar and fisher exact test.

Results: Results showed that scores of knowledge, outcome expectancy, expectations, self-efficacy, social support, self-regulations, reciprocal determinism and nutritional behaviors were increased significantly in the experimental group ($P<0.001$). Also, means of intake scores of folic acid, iron, multivitamins, and the number of daily servings of bread and cereals, dairy products, fruits and vegetables were significantly higher in the experimental group rather than the control group after intervention ($P<0.001$).

Conclusion: Implementation of educational intervention based on Social Cognitive Theory structures can be an effective role in modifying pregnant mothers' nutritional behavior.

Keywords: Pregnant women, Social cognitive theory, Nutritional behavior, Health education